

تأثیر اندیشه‌ی مهدویت به عنوان مؤلفه قدرت نرم در وحدت جهان اسلام

مهدی محمدزاده بنی‌طرفی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴

چکیده:

وحدت، از مسائلی قابل توجهی است که لزوم و اهمیت آن از دیدگاه قرآن و روایات، به اثبات رسیده است. وحدت اسلامی از نوع مطلوب و ثمر بخش آن، یعنی اهتمام برای رسیدن به نوعی یگانگی در منافع و اهداف و تقریب در باورهای دینی، از سوی کسانی که مشترکات بسیاری در باورهای اسلامی دارند، یکی از مهمترین آن‌ها اندیشه مهدویت است؛ درحقیقت اندیشه مهدوی بعنوان یک قدرت نرم، فرایندی را رقم میزند که در آن بشریت از طریق رفتار مطابق با گرایش هر فرقه اسلامی و در قالب ابزاری غیر خشونت‌آمیز روی افکار مردم (نخبگان و عامه مردم) تأثیر گذاشته و موجب آثار، حرکات و رفتار مشترک که همان وحدت جهان اسلام باشد، در راستای تغییر ذهنیت و رفتار جامعه هدف، قدم بر میدارد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری از طریق مطالعه اسناد و مدارک کتابخانه‌ای است که به بررسی مبانی شناخت و تقویت مؤلفه‌های وحدت بخش مذاهب اسلامی در پرتو اندیشه مهدویت، در متون گرانسنگ دینی، می‌پردازد. یافته‌ها حاکی از آن است که این اندیشه نوعی از اندیشه‌ها و نگرش‌های معطوف به آینده و در حقیقت، رویکردی آینده‌نگرانه است. ارکان وحدت بخش اندیشه مهدویت شامل امامت و ولایت است و جهانی بودن، عدالت، امنیت و رشد و توسعه و ویژگی‌های جامعه مهدوی است که در تحقق وحدت جهان اسلام بمتابجه یک قدرت نرم اثر می‌کند.

واژگان اصلی: وحدت، جهان اسلام، مهدویت، دین، تفرقه، قدرت نرم.

۱. عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی پردیس شهید رجایی دانشگاه فرهنگیان قزوین، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

امروزه یکی از مباحث مهمی که در نظام معرفتی اسلام بدان پرداخته می‌شود مبحث ایمان و مهدویت و تأثیرات آن در زندگی فردی و اجتماعی و بالخصوص دنیای اسلام و وحدت میان مذاهب و فرقه های اسلامی است.

در این میان می‌توان مهمترین عوامل وحدت بخش اسلامی را عوامل اعتقادی برشمرد. عوامل اعتقادی به مجموعه ای از عوامل گفته میشود که افراد براساس آن، به عقاید، اهداف و روش مشترک دست پیدا می‌کنند. مهمترین عوامل وحدت عبارتند از: عقیده واحد در کلیات مبانی، روش واحد، هدف واحد، خلقت انسان از نفس واحد، ایمان به خدا و فضیلت انسانی، اختصاص حاکمیت حقیقی به خداوند، ولایت الهی و تفویض آن به نمایندگان خاص از مهمترین عوامل همدلی، عقیده واحد است. هرگاه قلب و دل دو نفر به امری گرایش یافت، به هم نزدیک می‌شوند و تقرب معنوی می‌یابند. تقرب معنوی افراد غیر متجانس را گرد هم می‌آورد. قرآن بارها بیان کرده که پیوند برادری که براساس معنویت و عقیده شکل می‌گیرد، بسیار قویتر و ریشه دارتر از برادری خونی و نسبی است.

اهمیت اندیشه وحدت میان مذاهب اسلامی زمانی روشن می‌شود که در نظر داشته باشیم این مسأله، یعنی اختلاف میان مسلمانان، روزه ای است برای بهره برداری مخالفان و دشمنان اسلام چراکه در طول تاریخ، همواره شاهد بوده ایم هر جا استعمار بر آن شده است تا ضربه‌ای به مسلمین بزند، مهمترین ابزارش ایجاد و تقویت اختلافات و تعصبات مذهبی میان جوامع اسلامی بوده است. از آنجا که بازیابی اقتدار گذشته جهان اسلام جز از طریق وحدت میان مسلمانان و نزدیکی به یکدیگر امکان پذیر نیست، دشمنان پیوسته در تلاش بوده‌اند تا از یکپارچه شدن این امت جلوگیری کنند و با طرح مسائل اختلافی، مانع دستیابی آنان به این هدف عالی گردند. اعتقاد به اندیشه مهدویت، از اشتراکات زیادی در فرق اسلامی برخوردار است. موضوع مهدویت جزء موضوعاتی است که میان هر دو گروه شیعه و سنت به عنوان یک امر مشترک، مورد پذیرش طرفین است و با همه اختلافاتی که حتی در موضوع امامت بین شیعه و اهل سنت وجود دارد، ولی اهل سنت براساس روایت رسول خدا (ص) معتقد هستند در آخرالزمان فردی به نام مهدی از نسل پیامبر (ص) ظهور و جهان را از ظلم و فساد پاک می‌کند و عدالت را در سراسر جهان حاکم می‌کند. پس در ابتدا مهدویت در مذاهب متفرقه اسلامی یک امری است که مایه وحدت و اتحاد فرق اسلامی است (امینی، ۱۳۸۰: ۶۰). این مهم می‌تواند نقش کلیدی در گرایش های جوامع اسلامی به یک دیگر و وحدت دینی ایفا کند.

با جستجو و تفحص در پژوهش های انجام شده در این زمینه، نتایج حاکی از آن است که رویکرد عمده مطالعات؛ تأثیر اعتقاد به اندیشه مهدویت در پیشرفت ایران معاصر و جهان اسلام است؛ مثل آنچه علی ایمانی در "تبیین تحولات اسلام انقلابی در ایران با بهره گیری از موعودگرایی مهدوی" و محمد اخوان در "مهدویت و جنگ تمدن ها" و حسن ملایی در "آموزه مهدویت و تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری" و علیرضا کریمی "بررسی تطبیقی اندیشه بیداری اسلامی و مهدویت" ارائه کرده اند. این پژوهش ها عمدتاً کارکرد تاریخ تفکر مهدویت و تأثیر آن بر تحولات اجتماعی در ایران معاصر و جهان اسلام را به مطالعه گذاشته اند و به صورت ویژه در باب تأثیر مهدویت در وحدت فرق اسلامی و جهان اسلام نپرداختند. فلذا نویسنده برآن است این خلأ علمی را در این پژوهش پر کند و به این سوال پاسخ دهد که نقش اندیشه مهدویت به عنوان یک مؤلفه قدرت نرم در راهبرد وحدت جهان اسلام چیست؟

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری از طریق مطالعه اسناد و مدارک کتابخانه‌ای است که به بررسی مبانی شناخت و تقویت مولفه های وحدت بخش مذاهب اسلامی در پرتو اندیشه مهدویت، در متون گرانسنگ دینی، می پردازد.

اندیشه مهدویت

اندیشه مهدویت، نوعی از اندیشه ها و نگرش های معطوف به آینده و در حقیقت، رویکردی آینده نگرانه است. در این تفکر، گذشته، حال و آینده جهان، حرکتی مستمر، پویا، هدفمند و به سوی کمال ترسیم شده است که هیچ گونه اعوجاج، انحراف و ارتجاعی در آن نیست. (گودرزی، ۱۳۸۶: ۱۷۹) در این تفکر، پایان جهان همچون آغاز آن در اختیار صالحان است و همان طور که خلقت انسان با آفرینش حضرت آدم به صورت گرفت و مأموریت نهایی وی، استقرار عدالت بود، در پایان جهان نیز حکومت صالحان و استقرار عدل و قسط جزو ارکان اصلی این تفکر و البته نه هدف غایی آن برشمرده می شود. در تفکر مهدویت، فرض اساسی آن است که حضرت امام زمان پس از سالها غیبت کبری و به اذن الهی ظهور می یابد و با تجلی قیام پربرکت خویش، جهان را از عدل و داد خواهد گستراند. (گودرزی، ۱۳۸۶: ۱۸۰) همچنین در نگاه اهل سنت هم این نظر وجود دارد؛ اگرچه بخاری در صحیح خود احادیثی را که در آنها نام امام مهدی علیه السلام با صراحت ذکر شده، نیاورده است، نکته های دیگری را نقل کرده که به نحوی در پیوند با این موضوع است. برای مثال بابی را به نزول حضرت

عیسی علیه السلام اختصاص داده و در آن حدیثی را روایت کرده است که می گوید: در آخرالزمان هنگامی که حضرت مسیح فرود می آید، امامی از مسلمانان عهده دار امور امت اسلامی خواهد بود - عدالت اسلامی را در جهان اقامه خواهد کرد - (بخاری، ۱۴۲۰: ۶) همچنین ابن ماجه در سنن خود بابی را با عنوان «باب خروج المهدي» نام گذاری، و هفت حدیث در این رابطه نقل کرده است. در این احادیث به قیام حضرت مهدی علیه السلام و این که وی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است، و نیز به زمینه سازان ظهور آن حضرت اشاره شده است. (ابن ماجه، ۱۴۲۰: ۱۳۶۶)

در واقع، در تفکر مهدویت، حرکت به سمت رشد و کمال و شکوفایی تمام استعدادهای خدادادی بشر بر روی زمین و حتی آشکار شدن برکات آسمانها و زمین تا حد برپایی سرزمینی بهشتی به یمن وجود امام عصر (عج) ر روی زمین اهمیت داد. (گودرزی و ذوالفقارزاده، ۱۳۸۷: ۵۱ - ۵۶) بنابراین، تعریف مهدویت بالاعم؛ شامل هر نوع حرکتی در نظام هستی که به سمت رشد و کمال و انسانیت مبتنی بر قوانین و برنامه های الهی صورت گیرد، می باشد و این اندیشه مشترک بین فرق اسلامی، می تواند محور وحدت قرار گیرد.

قدرت نرم

قدرت نرم (به انگلیسی: soft power) در سیاست (و به ویژه در سیاست بین الملل)، قدرت نرم به جای اجبار (برعکس قدرت سخت)، توانایی جذب و انتخاب است که نخستین بار در سال ۱۹۸۹ توسط جوزف نای در کتابی تحت عنوان "Bound to lead" معرفی شد؛ (نای: ۲۰۱۰: ۲۶) در همین راستا نای اذعان می کند که ماهیت قدرت می تواند بر مبنای قدرت رفتاری و قدرت منابع تفکیک شود (فرهادی و مرادیان، ۱۳۸۱: ۱۱۸). نای تأکید می کند که قدرت نرم به زبان ساده و از نظر رفتاری، قدرت جذابیت است؛ و منابع قدرت نرم نیز داشته هایی هستند که چنین جذابیتی را پدید می آورند. بر همین اساس از نظر این اندیشمند قدرت نرم نه تنها به رفتار جذاب، بلکه به منابع و عناصر اتحاد فرهنگی جامعه وابسته می باشد. (نای: ۲۰۱۰: ۵۱-۵۵)

هدف ابتدایی قدرت نرم تأثیر بر باورهاست، اما هدف ثانویه آن بسیار متنوع است چرا که از قدرت نرم می توان برای دستیابی به اهداف مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، امنیتی و... بسته به نیت کنشگران و پویایی های داخلی آن ها و بهره برداری کرد؛ اما به طور جزئی از عناصر قدرت نرم می توان برای جذب اقوام مختلف یک ملت برای فرهنگ واحد و یک صدا شدن استفاده کرد. (گونک: ۲۰۱۸: ۲۵۶)

نای معتقد است که یک کشور ممکن است نتایج ترجیحی اش را در سیاست جهانی به وسیله قدرت نرم تغییر دهد و دیگر کشورها را به پیروی از خود وادارد؛ عرصه را طوری تنظیم کند که دیگران ارزش هایش را تحسین کنند و به تقلید از آن بپردازند یا اینکه ممکن است کشاورهای دیگر بخواهند به سطح بالایی از دست‌یافتنی‌های آن کشور برسند و گوی سبقت را از آن کشور هم برابند. (نای، ۲۰۱۰: ۱۸).

در فرهنگ لغت آمده است که قدرت، توانایی انجام کارها یا کنترل کردن دیگران است. رابرت دال در مقام یک اندیشمند برجسته سیاسی معتقد است: قدرت، توانایی (فرد یا گروه) در ترغیب دیگران به انجام کاری است که در غیر این صورت، آن را انجام نمی‌دادند.

برخی ناظران معتقدند منابع قدرت عموماً در حال تغییر است؛ بدین صورت که به تدریج تأکید کمتری روی نیروی نظامی و پیروزی بر حریف، به عنوان منبع قدرت صورت می‌گیرد. امروزه در ارزیابی قدرت بین‌المللی، عواملی چون فناوری، آموزش و رشد اقتصادی، اهمیت بیشتری پیدا کرده و در عین حال، اهمیت جغرافیا، جمعیت و مواد خام کاهش یافته است. بیشتر کشورهای بزرگ در دنیای امروز دریافته‌اند به کارگیری نیروی نظامی در مقایسه با قرن‌های گذشته، پرهزینه‌تر شده است. این مسئله از خطر تشدید مناقشه و تبدیل شدن آن به جنگی هسته‌ای سرچشمه می‌گیرد.

کاکس با پیروی از اندیشه‌های آنتونیو گرامشی^۱، اندیشمند ایتالیایی، بر این باور است که مهم‌ترین ویژگی یک کشور مسلط، توانایی آن در تأمین سطح بالایی از رضایت بر سر اصول همه‌گراست؛ اصولی که برتری کشور پیش‌تاز و طبقات اجتماعی مسلط را تضمین می‌کند. همچنین کشور مسلط باید این توان را داشته باشد که چشم‌اندازی از تأمین خواسته‌ها و رضایت کشورهای ضعیف‌تر را پیش روی آنها قرار دهد. (کاکس، ۱۹۸۷: ۶-۷) اگر کشور مسلط بتواند از نهادهایی حمایت کند که اقدامات دیگر کشورها را در مسیر ترجیحات خودش هدایت و محدود نماید، ممکن است دیگر نیاز نداشته باشد با تحمل هزینه فراوان، به قدرت اجبارآمیز یا قدرت سخت در شرایط دشوار متوسل شود. به طور خلاصه، جهانی شدن فرهنگ یک کشور و توانایی آن در برقراری مجموعه‌ای از قواعد و هنجارهای قابل پذیرش که حوزه‌هایی از فعالیت بین‌المللی را در اختیار خود قرار دهند، به منابعی عمده برای قدرت شمرده می‌شوند.

این منابع نرم قدرت، امروزه در سیاست جهانی در حال کسب اهمیت بیشتری هستند. البته این

¹ Antonio Gramsci

نکته را نیز باید عنوان کرد که قدرت نرم، دقیقاً همان نفوذ نیست؛ زیرا نفوذ می‌تواند شامل قدرت سخت (تهدید) یا پاداش نیز باشد، ولی قدرت نرم، چیزی بیش از قانع کردن صرف یا توانایی حرکت دادن مردم از راه استدلال است. همچنین قدرت نرم شامل توانایی جذب کردن نیز می‌شود و جذب، اغلب سبب مشارکت همراه با رضایت می‌گردد. اگر من بدون هیچ تهدید صریح یا انجام معامله‌ای متقاعد شوم با اهداف شما همراه گردم یا به طور خلاصه، اگر رفتار من به وسیله جذابیتی قابل مشاهده ولی نامحسوس تعیین شود، آن‌گاه باید گفت قدرت نرم اثرگذار است. قدرت نرم برای ایجاد همکاری، از روش متفاوتی (نه نیرو، و نه پول) استفاده می‌کند و آن، جذابیت ارزش‌های مشترک و تکلیف ما برای همکاری در دست‌یابی به آن ارزش‌هاست. (نای، ۱۳۸۷: ۴۵)

در حال حاضر، قدرت نرم اهمیت بسیار زیادی دارد؛ زیرا قدرت‌گیری فرهنگی و ایدئولوژیکی بر اعتبار استوار است. کشورهایی که موقعیت متعددی در عرصه قدرت نرم دارند، کار خود را بهتر پیش می‌برند. کشورهایی که احتمالاً در عصر اطلاعات، قدرت نرم به دست خواهند آورد، با این مشخصات شناخته می‌شوند. قدرت نرم در حقیقت توانایی دست یافتن به خواسته‌ها از راه داشتن جذابیت برای طرف مقابل است؛ به گونه‌ای که طرف مقابل مجذوب شود و با اراده خود به تقاضای شما تن دهد. همچنین قدرت نرم به اشتغال فضای ذهنی کشورهای دیگر، از راه ایجاد جاذبه در ذهن آنها توجه خاصی دارد. از این رو، قدرت نرم زمانی محقق می‌شود که بازیگر بتواند از راه به‌کارگیری دانایی، بر اختلاف‌های میان دو طرف چیره شود و امتیاز بگیرد. (افتخاری، ۱۳۸۷: ۱۳۶) از نظر نای، قدرت نرم شیوه‌ای جدید از اعمال قدرت در مقایسه با شیوه‌های سنتی است که آن کشور کاری کند تا کشورهای دیگر، همان چیزی را بخواهند که او می‌خواهد. وی این قدرت را قدرت متقاعدکننده نیز می‌خواند. از دید وی، منابع قدرت نرم برای امریکا عبارت است از: «جذابیت ایدئولوژیک، شرکت‌های چندملیتی». (افتخاری، ۱۳۸۷: ۱۴۷) نای، سیر تحول قدرت را از سرمایه به اطلاعات می‌داند و معتقد است اطلاعات، قدرت است و قدرت در حال عبور کردن از کشور غنی از اطلاعات است. بدین ترتیب، می‌توان گفت توانایی در زمینه واکنش به موقع در برابر اطلاعات جدید، منبعی عمده برای قدرت به شمار می‌آید. (نای، ۱۳۸۷: ۱۳۱) به باور نای، قدرت نرم نباید در قالب (image) و تصویرسازی، روابط عمومی یا ایجاد محبوبیت صرف ارزیابی شود، بلکه باید نوعی از قدرت پنداشته گردد و این بدان معناست که به عنوان «ابزاری برای نیل به اهداف و خواسته‌های مطلوب در حوزه سیاست خارجی و راهبرد امنیت ملی مورد توجه قرار گیرد و به عنوان مکمل قدرت سخت از آن بهره‌برداری شود». (هارت، ۱۳۸۴: ۳۶۵)

وحدت جهان اسلام

وحدت، از مسایل قابل توجهی است که لزوم و اهمیت آن از دیدگاه قرآن و روایات، به اثبات رسیده است. محدثان و مفسران بزرگ اسلام نیز به تأیید. تبیین وجوب و ضرورت آن در ابعاد مختلف پرداخته است.

کلمه وحدت مصدر از ریشه «وحد» است که به معنای همبستگی قوم و گروه به کار می رود راغب اصفهانی در مورد معنای وحدت بیان می دارد. «وحدت یعنی انفراد، تنهایی و واحد در حقیقت چیز است که جزء و اجزاء ندارد. یکی و واحد است. آنگاه این معنی به هر موجودی اطلاق شده تا جائیکه هیچ عددی نیست؛ مگر اینکه با این واژه توصیف شده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۴۲۵).

در فرهنگ های زبان فارسی، وحدت در لغت به معنای یگانه شدن، یکتایی، یگانگی، انفراد و تنهایی بیان شده است و اتحاد به معنای عینیت و یکی شدن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۱). در مورد معنای اتحاد در فرهنگ معین آمده است: «اتحاد یعنی یکی شدن. یگانگی، یکرنگی و اتفاق آراء، پیوستگی چند نفر یا چند گروه یا چند دولت در امری به وسیله قراردادی که منعقد می سازد» (معین، ۱۳۷۹: ۱۳۴).

یکی بودن، یگانه بودن، اشراک همه افراد یک ملت در آمال و مقاصد، چنانچه به منزله مجموعه واحدی به شمار آیند (معین، ۱۳۷۹: ۴۹۸۸).

علامه طباطبایی (ره) در مورد مفهوم وحدت معتقد است «مفهوم وحدت از مفاهیم بدیهی است که در تصور آن نیازی نیست که کسی آن را برابمان معنا کند. چه بسا، چیزی را به خاطر یکی از اوصافش واحد بدانند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹۳)

وحدت جهان اسلام به معنای تحقق وحدت اسلامی در مجموعه امت اسلام و سراسر جهان اسلام است، به گونه ای که در نهایت، نویدبخش تشکیل امت واحد اسلامی باشد. در تفکر دینی، هرگز مراد از وحدت کنار نهادن سایر مذاهب نیست. وحدت اسلامی به کارگیری ابزار تحقق امت واحد، به عنوان یک آرمان نهایی، در سطح جوامع و جهان اسلامی خواهد بود. بنابراین وحدت اسلامی، از جهت روش و ابزار شامل تمامی تصمیم سازی ها، سیاستگذاری ها، اتخاذ روش های واحد، بهره گیری از امکانات مشترک، و تدابیری می شود که نتیجه و پیامد آن، تحقق وحدت امت اسلامی است. از منظر آیات قرآن کریم، «وحدت» کلمه امت اسلام، وحدت دینی و اسلامی است و به عنوان شیوه و ابزار تحقق اهداف و مقاصد دینی و الهی تلقی می شود؛ «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۲۴) از این رو، چنگ و اعتصام به حبل محکم الهی را، زمینه و مقدمه نجات

جامعه از هلاکت و نیز سعادت و هدایت جامعه اسلامی بر می شمارد(انفال: ۴۶).

وحدت از منظر دینی امری مطلوب، و بدان بسیار سفارش و تأکید شده است به گونه ای که اقامه دین در پرتو وحدت امت اسلام است. خداوند در قرآن کریم در این رابطه می فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۶)، و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود و صبر کنید که خدا با صابران است.

خداوند متعال در مورد وحدت می فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمُ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران: ۱۰۳)، و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راههای متفرق نروید، و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دلهای شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید، و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد. بدین گونه خدا آیاتش را برای (راهنمایی) شما بیان می کند، باشد که هدایت شوید.

و در این آیه شریفه «ریسمان خدا» به عنوان محوری برای اتحاد و اتفاق مؤمنان معرفی شده است. بنابر این، می توان گفت، این آیه بر مسأله وحدت، همدلی و همزبانی تأکید کرده و درباره اختلاف هشدار می دهد(اخوان کاظمی، ۱۳۸۷: ۴۱).

وحدت اسلامی از نوع مطلوب و ثمر بخش آن، یعنی اهتمام برای رسیدن به نوعی یگانگی در منافع و اهداف و تقریب در باور های دینی، از سوی کسانی که به رغم اجتهادات مختلف مشترکات بسیاری دارند، از جمله اینکه معتقد به خدایی واحد، پیام آوری شناخته شده و برخورد دار از یک کتاب آسمانی مشترک به نام قرآن مجید هستند و چشم انداز و هدف اصلی آن ها سعادت دنیوی و آخروی و قرب الهی است.

انواع وحدت

بطور کلی انواع وحدتی که برای امت اسلامی می توان تصور کرد، به سه دسته تقسیم می شود

الف) وحدت مطلق

وحدت مطلق، عبارت است از اتفاق نظر در همه ی عقاید، معارف و احکام اسلامی با همه ی اصول و فروع آن.(جعفری، ۱۳۷۷: ۲۹) این وحدت با نظر به آزادی اندیشه و تعقل در خصوصیات و

کیفیات، و انتخاب دلایل در عناصر و اجزای اصلی عقاید و احکام دین اسلام، به قدری بعید است که می‌توان گفت امری امکان‌ناپذیر است. به خصوص با در نظر گرفتن اختلاف متفکران در ذوق و اندیشه، و کمی و بسیاری اطلاعات درباره‌ی منابع، و هم‌چنین اختلاف آنان در نبوغ، هوش و حافظه که بدون تردید در انتخاب و فهم قضایا و تنظیم استدلال و امثال آن موثر است.

ب) وحدت مصلحتی عارضی

وحدت مصلحتی از جبر عوامل خارج از حقیقت و متن دین پیش می‌آید، و در مواقعی لازم می‌آید که آن عوامل، جوامع اسلامی را در خطر اختلاف قرار داده است. معمولاً در هنگام بروز عوامل نابود کننده و مخاطره‌آمیز، تضادها و اختلافات در میان فرقه‌ها و مذاهب مختلف نادیده گرفته می‌شوند و نوعی اتحاد و هماهنگی میان آنان برقرار می‌شود. چون این نوع اتحاد و هماهنگی معلول عوامل جبری خارج از متن دین است و با از بین رفتن آن عوامل این اتحاد نیز متفتنی می‌گردد. همان‌گونه که توقع «وحدت مطلق» میان متفکران و مردم جوامع اسلامی غیر منطقی است، توقع این که وحدت مصلحتی عارضی بتواند فرقه‌ها و مذاهب اسلامی را از هماهنگی و اتحاد دایمی و معقول برخوردار سازد نیز انتظاری نابجا است.

ج) وحدت معقول

وحدت معقول با توجه به آزادی اندیشه و تعقل در خصوصیات و کیفیات و انتخاب دلایل بیشتر می‌تواند مورد نظر قرار گیرد که آن نیز عبارت است از قرار دادن متن کلی دین اسلام براساس اعتقاد همه‌ی جوامع مسلمان و کنار گذاردن عقاید شخصی، نظری و فرهنگ محلی و خصوصیات آرا و نظریات مربوط به هر یک از اجزای متن کلی دین که به تعقل و اجتهاد گروهی یا شخصی مربوط است. (جعفری، ۱۳۷۷: ۲۹)

در طریق وصول به وحدت معقول، نخستین گام همان وسعت یافتن دیدگاه متفکران و شخصیت‌های بزرگ اسلامی است و عامل اصلی این توسعه نیز دیدگاه‌ها و هم‌چنین رهایی از چارچوب تنگ و تاریک تعصب غیر منطقی می‌باشد. اسلام به جهت عظمت و تنوع ابعاد نامحدود خود توانسته است، همان‌گونه که «محمد بن طرخان فارابی» را در دامن خود بیوراند، «ابن سینا، ابن رشد، ابن مسکویه، ابوریحان بیرونی، حنس بن هیثم، محمد بن زکریا، جلال‌الدین محمد مولوی، میرداماد، صدرالمتهلین و امثال این‌ها را نیز با آرا و عقاید مختلف در جهان‌شناسی و الهیات و حقایق مذهبی پرورش دهد» (جعفری، ۱۳۷۷: ۳۱)

منظور نگارنده در این پژوهش نوع سوم وحدت به معنای وحدت معقول است که با عظمت و تنوع اندیشه مهدوی در منابع فرق اسلامی، پویایی وحدت را دوچندان کرده است.

ضرورت وحدت جهان اسلام در پرتو اندیشه مهدویت

با توجه به وضعیت کنونی مسلمانان در عصر حاضر و با توجه به ریشه عمیق دعوت به وحدت در دین اسلام، تلاش برای اتحاد اسلامی به عنوان وظیفه، امری بدیهی است. وظیفه ای که مسلمانان در برابر یکدیگر دارند که رسیدن به برادری و اخوت اسلامی است و وظیفه ای که در برابر دشمنان دارند که همدست شدن در مقابل دشمن در یک صف است. بازگشت به دین و ترویج آن از مهمترین راهکارهای وحدت است. وحدت میان مسلمانان به میزان عقل و آگاهی و بینش آنها جلوه گر می شود. حل اختلافات و شبهات، گفتگوهای علمی برای روشن شدن حقیقت، حضور فعال، تأثیرگذار و به موقع علماء و اندیشمندان، تعظیم شعائر دینی و تقویت ارزش های اخلاقی می تواند پایه وحدت را در حوزه مذهب و فرهنگ مستحکم تر کند.

دین مبین اسلام بر اساس جامعیت در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، خانواده و مذهبی، برنامه و دستورالعمل های اجرایی و کاربردی داشته و دارد. نمونه برجسته آن نیز تشکیل حکومت اسلامی به وسیله پیامبر گرامی اسلام به محض فراهم شدن شرایط بود. در طول تاریخ حیات ائمه و عصر غیبت، تسلط بنی امیه و بنی عباس و به تبع آن، دیگر سلاطین و حکام، عرصه را بر انسان های الهی و ملکوتی تنگ کرد و امکان تشکیل حکومت اسلامی، به معنای واقعی فراهم نشد. در هر صورت، لازمه اجرای بخشی عظیم از احکام اسلام، تشکیل حکومت اسلامی است که ضرورت آن در دوره حکومت حضرت مهدی دو چندان است. یکی از ابزار و لوازم تشکیل این حکومت الهی، ایجاد وحدتی بین مسلمانان در سراسر جهان است. در آخرالزمان به دلیل گسترش ظلم، یک مطالبه عمومی برای برقراری عدالت ایجاد می شود و منتظرین تمنای همه جانبه را برای برقراری حکومت عدالت گستر و یاری موعود آخرالزمان در خود خواهند دید. اندیشه مهدویت و ظهور موعود، که از اصول مشترک همه مسلمانان به شمار می آید؛ موجب تقویت وحدت در بین امت اسلام می شود که این وحدت منجر به شروع حرکت و قیام یکپارچه و جهانی مستضعفین خواهد.

یکی از بنیان های اصلی شکل گیری هویت اجتماعی، احساس اشتراک اجتماعی و گروهی

است که افراد یک جامعه نسبت به یکدیگر پیدا می کنند و وقتی این احساس اشتراک به سطحی از وحدت برسد که افراد نوعی پیوستگی با یکدیگر را احساس کنند، هویت جمعی افراد در سطوح مختلف شکل می گیرد. عصر ظهور نیز عصر تکامل بشری در عرصه تعقل و اخلاق به شمار می آید.^۱ (کلینی، ۱۴۱۹: ۲۵)

بر اساس مبانی دینی و روایی این ویژگی ها نوعی قدرت نرم، برای جامعه مهدوی، محسوب می شود که عامل انجذاب فرق اسلامی به یک آرمان تلقی می شود:

الف) جهانی بودن: وحدت، حتی وحدت فکر در جامعه جهانی اسلامی، فراگیر، عمیق و واقعی است. این امر ناشی از ادراک واحد مفهوم واحد است. بنابراین، جای شگفتی نیست که انسان ها در عرصه دینی هم یکسان بیندیشند و فرمانروایی ولی عصر را در شرق و غرب بپذیرند و تنها دین خدا را بر خود حاکم گردانند.

ب) عدالت: عدالت گسترده و حقیقی، از ویژگی های بارز نظام جهانی مطلوب اسلامی است که ریشه ستم را می خشکاند و تبعیت استعمار و استثمار را نابود می سازد.

عدالت ثمره اندیشه مهدویت و عامل وحدت جهان است چرا که جامعه ای که در آن عدالت برقرار باشد و افراد در آن به دور از تبعیض زندگی کنند، بین افراد آن اختلاف و نزاع به وجود نمی آید و در نتیجه، و افراد به درک درست و مشترکی از حق و سهم خویش و دیگران دست پیدا می کنند. دستاورد این درک صحیح، جامعه ای متشکل از افراد متحد است.

ج) امنیت: امنیت از ضروری ترین نیازهای زندگی است. بخش عظیمی از تاریخ، برای جلوگیری از ناامنی و استقرار امنیت سپری شده است. تاکنون تئوری های بسیاری همانند موازنه قوا، امنیت دسته جمعی و حکومت جهانی برای پدید آوردن صلح شکل گرفته است، اما باید گفت امنیت کامل تنها در حکومت جهانی الهی وجود دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۱۲۵)

اندیشه مهدویت نقطه مشترک فرق اسلامی و عامل انسجام ادیان

مهدویت از آرمان های پایدار انسان در طول قرن ها و از مسلمات اعتقادی مشترک ادیان مختلف آسمانی بوده است؛ بدان دلیل که پیامبران گذشته در میان امتهای خویش از اصلاح اساسی و

۱. «إذا قام قائمنا وضع یدیه علی رؤوس العباد فجمع به عقولهم و کملت به أحلامهم»

اجرای عدالت همگانی سخن گفته و ظهور مصلح بزرگ را به پیروان خود وعده می دادند. اعتقاد به ظهور مصلحی به نام مهدی از اولاد پیامبر اسلام (ص) مورد اتفاق همه فرقه های اسلامی است. مسئله ظهور منجی مصلح، اندیشه ای فرا اسلامی است که در تمامی ادیان الهی و حتی غیر آسمانی ریشه دارد؛ یعنی به باور پیروان تمامی ادیان، روزی منجی مصلحی ظهور خواهد کرد و با قیام خود علیه ستم‌گران، تمام دنیا را از عدل و قسط پر می‌کند و آسایش و رفاه را برای همگان به ارمغان می‌آورد. (تونه‌ای، ۱۳۸۷: ۱۴)

به باور شیعه امامیه، منجی موعود، دوازدهمین امام، جانشین پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله و سلم) و خلیفه خدا در زمین به شمار می‌آید. او در این زمان زنده است و میان مردم زندگی می‌کند و عامل اتصال بین عالم ربوبی و زمینیان است و واسطه فیض الهی به شمار می‌آید. این تفکر، رکن اساسی اندیشه مهدویت را در مذهب تشیع تشکیل می‌دهد و می‌تواند برای رسیدن به اندیشه‌های درست در زمینه انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی، راه‌کارهای اساسی تبیین کند.

وحدت امت اسلامی ابزاری است برای مقابله با دشمن ولی نه از جنس قدرت سخت، بلکه قدرت نرمی است که باعث می‌شود رفتار افراد در جهت همسویی با جامعه و پیروی از آن، سوق داده شود و انسجام جامعه حفظ گردد (کازینو، ۱۳۶۴: ۷۱). چنین انسجامی در جهت تحقق جامعه مهدوی انجام می‌پذیرد؛ به گونه ای که ارزشها و هنجارهای اجتماعی، درونی شده و با فرد یگانه گردد و او، خود را به اجرای آن ملزم ببیند و بدون این که تحت نظارت بیرونی قرار گیرد، به این ارزش ها عمل می‌کند. در این حالت، فرد، لحظه به لحظه انتظار از حالت امید به آینده فراتر می‌رود و به آینده نگری و تامل و جست‌وجو در حوادث و شناخت و معرفت درست اوضاع تبدیل می‌شود. مهمترین جذابیت ایدئولوژیک مهدویت در اتحاد جهان اسلام مسئله انتظار، آینده نگری، مسؤولیت شناسی، الگوبرداری و زمینه سازی برای رسیدن به وضعیت مطلوب است که می‌توان آن را «انتظار پویا» نامید.

همانطور که می‌دانیم موضوع مهدویت جزء موضوعاتی است که میان هر دو گروه شیعه و سنت به عنوان یک امر مشترک، مورد پذیرش طرفین است و با همه اختلافاتی که حتی در موضوع امامت بین شیعه و اهل سنت وجود دارد، ولی اهل سنت براساس روایت رسول خدا (ص) معتقد هستند در آخرالزمان فردی به نام مهدی از نسل پیامبر (ص) ظهور و جهان را از ظلم و فساد پاک می‌کند و عدالت را در سراسر جهان حاکم می‌کند. پس در ابتدا مهدویت در مذاهب متفرقه اسلامی

یک امری است که مایه وحدت و اتحاد فرق اسلامی است (امینی، ۱۳۸۰: ۴۰)

از فرق اسلامی که بگذریم تقریباً همه ادیان آسمانی و مکتابی که الان وجود دارد، همه معتقد هستند که روزی خواهد رسید که فردی قیام می‌کند و در مقابل ظلم و بی‌داد می‌ایستد و جهان را از وجود ظالمین پاک می‌کند. (یدالله پور، خرمی، حسینی، ۱۳۹۳: ۵) اکثریت مردم دنیا که مسیحی هستند معتقدند حضرت مسیح (ع) که به آسمان‌ها رفته است، در آخرالزمان رجعت می‌کند و با ظهور خودش موجب تقویت جبهه دین‌داران الهی می‌شود و کاری می‌کند که گروه دیندار بر گروه بی‌دین و کسانی که دین خود را می‌خواهند حاکم کنند بر زمین حاکم می‌شوند. جالب این است که در آموزه‌های اسلامی هم ما معتقدیم (مجلسی، ج ۵۱: ۹۳) وقتی امام زمان (عج) ظهور می‌کند، حضرت مسیح (ع) هم ظهور می‌کند و ظهور این دو همزمان است؛ یعنی ظهور حضرت مسیح (ع) هم در روایات اسلامی پیش‌بینی شده است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۷: ۲۹۰). البته مطابق روایات اسلامی حضرت مسیح (ع) پشت سر امام زمان (عج) نماز می‌خواند (همان) و همین اقتدا به امام زمان (عج) باعث می‌شود که عموم مسیحیان جهان به پیروی از حضرت مسیح (ع) به امام زمان (عج) اقتدا کنند. امامت و حاکمیت آن حضرت را بپذیرند و به تعبیری این دو فرد؛ یعنی امام زمان (عج) از جانب مسلمانان و حضرت مسیح (ع) از جانب مسیحیان که بیشترین پیروان مذاهب الهی را در میان مردم دارند، بتوانند با کمک همدیگر اسباب وحدت میان مسلمانان و مسیحیان را در جهاد با کفار، جهاد با ظالمان و کسانی که زیر بار حق نمی‌روند انجام بدهند و بر جهان مسلط شوند. (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۷: ۹)

اندیشه انتظار و چشم به راهی و طلب آمدن منجی آسمانی و الهی، محور مشترک و وحدت بخش همه ادیان است، این انتظار در مکتب اسلام رنگ و بوی جدی‌تر و اطمینان بخش‌تری دارد و قدر مشترک همه اندیشه‌ها و مکاتب اسلامی است، همچنین نیاز به تشکیل حکومت واحد جهانی و رفع مشکلات و سختی‌های جامعه و تسریع در رسیدن به جامعه آرمانی دین، یکی دیگر از ظرفیت‌های اساسی مهدویت در وحدت بخشی است. صلح و نوع دوستی و احساس تعلق به یک جامعه واحد، به روشنی در اندیشه مهدویت قابل رصد و دستیابی است و این مساله باید بتواند زمینه‌های الفت و انس و دوستی همه افراد - بخصوص مسلمانان - را به هم نزدیک سازد.

اندیشه مهدویت و پرهیز از تفرقه، قدرت نرم جبهه جهان اسلام

قرآن همه اهل کتاب و شرایع آسمانی را به اتحاد و همبستگی دعوت می کند و از آنان می خواهد تا در سایه سخن و عقیده مشترک با مسلمانان گردآیند و متحد گردند. مسلمانان دارای یک کتاب آسمانی، یک پیامبر و یک قبله هستند و اعتقادات دینی آنان یکسان است عقل و شرع اقتضا می کنند که برمشترکات فراوان تکیه شود و از برجسته کردن اختلافات جزیی پرهیز گردد. امت اسلامی گرد هم آیند و در عین سردادن شعار «لا اله الا الله» از هر فرقه و مذهبی می توانند، با شعار توحید و زیر پرچم کثرت و تعدد، وحدتی مثال زدنی خلق نمایند (هادی، ۱۳۷۷: ۴۹)

دین مبین اسلام به مقوله وحدت، اتحاد و انسجام تأکید ویژه ای دارد و امت اسلامی را به هم دلی، صمیمیت و متحد بودن تشویق و از تفرقه و نفاق نهی می کند و امت اسلامی را به منزله امت واحده معرفی می فرماید:

بدون تردید، وحدت و هم دلی از اصولی ترین آموزه های مترقی و بلند قرآن مجید است . گواه این مدعا، ده ها آیه قرآن است (آل عمران: ۱۰۳؛ آل عمران: ۶۴؛ نساء: ۵۷ و ۱۵۸؛ انبیاء: ۱۰۵؛ قصص: ۵؛ بقره: ۱۴۸ و...) که مسلمانان و جهانیان را به گرد آمدن بر محور حقیقت و ترک جدال و تفرقه دعوت می کند و به همین نسبت، آیاتی است که از تفرقه و اختلاف، نهی می کند و آن را مطرود می شمارد..

اختلاف و تفرقه، مهم ترین آفتی است که ممکن است دامن گیر دین خدا شود که با رو برپایی دین در تضاد است. پیامبر خدا برای پدید آمدن این وحدت و اوج گیری آن، دو بال قرآن و عترت، دو لنگر کشتی «اینی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی» (ارشاد القلوب: ۱۳۱) را مطرح کردند به اعتقاد اندیشمندان قدرت نرم، امروزه سیر تحول قدرت از سرمایه و ابزارآلات نظامی به

اطلاعات و اعتقادات را شاهد هستیم (افتخاری، ۱۳۸۷: ۱۴۷)، امروزه وحدت ملت های اسلامی است که نجات بخش امت اسلام و عامل تقویت قوای انسانی است که مرهون آموزه های قرآن و عترت است. قرآن در میان مسلمانان شناخته شده است، اما عترت، یادگار پیامبر برای دوره آخرالزمان، شخصیتی الهی است که پیامبر خدا، نام، کنیه و اوصاف او را بیان کرده اند. وجود صدها حدیث در کتاب های معتبر فرقه های مختلف اسلام درباره حضرت مهدی بیانگر استمرار عترت در وجود شریف آن حضرت است محوری که می تواند همه مسلمانان را در انتظاری مقدس، سازنده، آرمان ساز و جهت دهنده شکل دهد.

شکل‌گیری امت واحد در صدر اسلام، دلیلی بر اثبات ادعای تحقق جامعه جهانی مهدوی از دیدگاه اسلام، فلسفه آفرینش دست‌یابی به کمال است. رسیدن به کمال نیز تنها در پرتو تبعیت از امام معصوم که انسان کاملی است، محقق می‌شود. در نظام ولایت الهی، امام و امت دو اصل اساسی به شمار می‌روند و دست‌یابی به کمال در گرو همکاری و هم‌دلی امت با امامت است. نظام امامت و امت، در تاریخ مسلمانان بی‌سابقه نیست زیرا نظام اسلامی که پیامبر بنا نهاد، مصداق عینی آن به شمار می‌رفت. تشکیل حکومت اسلامی به وسیله نبی اکرم در مدینه، سرآغاز حرکتی تازه برای شکل‌گیری حکومت بزرگ اسلامی یعنی نظام جهانی اسلام شد. به بیان دیگر، پیامبر اسلام بعد از سیزده سال تبعید مخفی و آشکار اسلام، با توطئه سران قریش مبنی بر قتل خویش روبه‌رو شد و به ناچار در سال چهاردهم بعثت از مکه به یثرب هجرت و در آن سال، حکومت اسلامی را بنیان نهاد. پیامبر اسلام با عقد پیمان اخوت بین مسلمانان، بنیان مسجد به عنوان پایگاهی عبادی - سیاسی، بستن پیمان با یهودیان ایجاد ساختار سیاسی و اجتماعی و تشکیل هسته‌های رزمی و سپاه اعزام مبلغان قرآن و آموزه‌های اسلامی به سراسر شبه جزیره، حکومتی را بنا نهاد که در عدالت و امنیت بی‌سابقه بود. (منصورنژاد، ۱۳۸۹: ۱۱)

قدرت نرم باید نوعی از قدرت پنداشته گردد و این بدان معناست که به عنوان «ابزاری برای نیل به اهداف و خواسته‌های مطلوب در حوزه سیاست خارجی و راهبرد امنیت ملی مورد توجه قرار گیرد و به عنوان مکمل قدرت سخت از آن بهره‌برداری شود». (هارت، ۱۳۸۴: ۳۶۵) پیامبر گرامی اسلام در زمینه سیاست، حکومتی را پدید آورد که در آن، شرک در جزیره العرب ریشه کن شد، پرچم توحیدی در کعبه به اهتزاز در آمد، اسلام در جزیره العرب گسترش یافت و به بسط عدل و عدالت پرداخت.

باور به انتظار و مصلح جهانی، زمینه را برای فراهم شدن امت واحد اسلام به همان سبک مدیریت نبوی در صدر اسلام مهیا می‌سازد. مدینه فاضله و تمدن اسلامی، نتیجه جامعه منتظر و امت واحد انسان‌ها در نظام امامت و امت به بلوغ و شکوفایی، ارزش‌های الهی، ترقی، تکامل و هدایت نزدیکند. به این دلیل، زمینه وحدت‌یابی در آنان فراهم است. جامعه جهانی اسلامی، جامعه‌ای همگون و متکامل، شکوفاکنده استعدادها، واجد استقلال کامل همه جانبه افراد انسانی است و نیازهای بنیادین و فطری را برآورده می‌سازد که در این مسیر فطرت و هویت مشترک، محور فعالیت و حرکت اجتماعی آن خواهد بود. بنابراین، کسانی که ایمان آوردند و عمل شایسته انجام

دهند، عضو جامعه مطلوب اسلامی اند. به همین دلیل، آنان خلیفه خداوند هستند و در جامعه اسلامی، پرستش خدای یگانه جاری می شود. (مرتضی عاملی، ۱۳۶۷: ۳۴)

قدرت نرم زمانی محقق می شود که عامل آن، بتواند از راه به کارگیری دانایی، بر اختلاف های میان دو طرف چیره شود و ضرر ناشی از آن را خنثی کند (افتخاری، ۱۳۸۷: ۱۳۸). از شاخصه های مهم تفکر مهدویت پرهیز از تفرقه است. طبق دیدگاه الهی مالک واقعی جهان خداست و ماسوی به تبع او می باشند همین برگشت جهان به سوی مالک و حاکم واحد می تواند، توجیح گر واضحی برای یک وحدت جهانی گردد از آن جهت که قید هردو وحدت است. فرموده خدای تعالی «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا واذکروا نعمه الله علیکم إذ کنتم أعداء فألّف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته إخوانا وکنتم علی شفا حفرة من النار فأنقذکم منها کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون» (آل عمران: ۱۰۳) هم به این مسئله دلالت دارد، چرا که فقط در پرتوی تمسک بحبل الله وصال به مجتمع انسانی و اسلامی که مصداق «ولا تفرقوا» قرار می گیرد، ممکن است.

تفکر اسلامی بستر پرورش جهانی شدن مهدوی است و دارای گرایش به سمت «وحدت» و هم آهنگی، یکپارچگی می باشد و تکرراتی که لازمه خلقت ناسوتی است، هم با یک ترکیب عقلی عملی به سمت وحدت جهت پیدا می کند. همه چیز تحت سلطه اصول مشترکی قرار گرفته است، چرا که همه امور تحت تسلط واقعیت الهی و ولایت الهی و هدایت الهی که احاطه کلیه داشته است و سیر می کند: «الذین إذا أصابتهم مصیبة قالوا إنا لله وإنا إليه راجعون» (بقره: ۱۵۶) بنابراین اندیشه مهدویت بافت های گوناگون اجتماعی انسان ها را در قالب های گوناگون قبیله، قوم، شعب و زبان های گوناگون و نژادهای متفاوت و آداب و رسوم و فرهنگ های محلی متمایز به رسمیت می شناسد و همه را، بر محور توحید و بندگی خدا، برادر می خواند و دعوت به اجرای قوانین الهی می کند. برای تحقق این امر، «امامت» را در کنار «توحید» برای همه «امت اسلامی» در سرزمین های گوناگون و با موقعیت و وضعیت های فردی و اجتماعی متمایز، در هر مکان و زمان، در همین راستا لازم دانسته است. (منصورنژاد، ۱۳۸۹: ۱۶)

جهانی شدن فرهنگ یک کشور و توانایی آن در برقراری مجموعه ای از قواعد و هنجارهای قابل پذیرش که حوزه هایی از فعالیت بین المللی را در اختیار خود قرار می دهند، منابعی عمده برای قدرت شمرده لازم دارد که مورد پذیرش همه انسان های جامعه هدف است (کراسنر، ۱۹۸۳: ۴۶). از مهم ترین ویژگی های حکومت جهانی اسلام این است که، کلیه قوانین و تدابیر اجرایی در این

حکومت بر محوریت توحید و فطرت توحیدگرا استوار است. توحید سرچشمه وحدت قانون گذاری و محور مشترک تمام جوامع بشری در جایگاه بندگان خدای یکتا است. و صرفاً بر اساس همین اندیشه است، که تفاوت جغرافیایی و نابرابری‌های طبقاتی و نژادی رنگ می‌بازد و همگان در جامعه واحد، پیرو دین واحد و فرمانبردار قانون الاهی شناخته می‌شوند. در همین زمینه امام صادق (علیه السلام) این حکومت را چنین معرفی می‌کند: ای مفضل سوگند به خدا که او [مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)] اختلاف میان ملت های و ادیان را بر می‌چیند و دین، واحده می‌شود؛ همان‌گونه که خدا فرموده است دین حقیقی نزد خدا اسلام است. بنابراین، تنها قوانین اسلامی واجد صلاحیت و مقتضیات لازم برای جهانی شدن واقعی است. و بالاخره حاکمیت صالح الاهی در سطح جهان با هر آنچه بوی تفرق و گروه‌گرایی در فضای جهانی شدن غربی دنبال می‌شود سازگاری ندارد. (شیرازی، ۱۴۱۶: ۵۸).

وحدت شعار اصلی جامعه منتظر است و امروزه شعار محوری جامعه منتظر و چشم انداز روشن آینده، باید اتحاد و همدلی در سایه سار ولایت امام زمان باشد. آنجا که خود آن بزرگوار فرمود: «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتَهُ، عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا (طبرسی: ۳۱۵)؛ اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را به اطاعت خویش موفق گرداند - در وفای به عهد الاهی هم دل و هم پیمان می‌شدند، سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد» این دستور حضرت باید شعار محوری جامعه منتظر و تابلوی حرکت ما به آینده باشد، ما نیازمند وحدت و همدلی هستیم، ما هم در سطح ملی و داخلی باید همدلی و اتحاد خود را در سایه سار مهدویت حفظ کنیم و از این راهبرد برای اصلاح جامعه استفاده کنیم. (اقا نوری، ۱۳۸۷: ۴۱)

باورداشت مهدویت محور اشتراکی مهمی بین مسلمانان است؛ همان‌طور که توحید و قرآن و اهل بیت چنین رشته پیوند را ایجاد می‌کنند، ما و اهل سنت در اصل منجی‌گرایی و مهدویت مشترک هستیم؛ همان‌طور که در شخص منجی و مهدی موعود و ویژگی‌ها و الواصف او اشتراک نظر داریم، همان‌طور که در زمینه نشانه‌های ظهور و حکومت جهانی و جهان‌شمولی اسلام در عصر ظهور مشترک هستیم ولی این اعتقاد باید تبدیل به کانون همدلی و انسجام جامعه اسلامی برای رسیدن به جامعه موعود و جذب دل‌ها به سوی حضرت مهدی (ع) باشد و هر نوع اختلاف و چند پارگی و تفرقه، منافی با این عقیده نجات‌بخش و منافی با دستورات خود حضرت است. در نهایت باید این باورداشت الاهی منجر به نزدیکی و انسجام همه حق‌طلبان و مستضعفان عالم گردد و آنها را

در یک صف واحد جمع کند، مهم ترین اشتراک نظر ما با ادیان الهی، همین فرجام باوری و موعود گرایی است. مهدویت و منجی گرایی زبان مشترک ما با اهل دیانت های مختلف است و این زبان مشترک می توان جامعه جهانی را منسجم و متحد سازد. (شیرازی، ۱۴۱۶: ۵۸)

بنابر آنچه بیان شد می توان دریافت «مهدویت» به عنوان اعتقادی مشترک بین شیعه و اهل سنت می تواند فراتر از اختلافات، میان پیروان مذاهب اسلامی وحدت ایجاد کند چنان که اگرچه بین شیعه و اهل سنت در مسئله امامت اختلافاتی هست اما اهل سنت نیز با تکیه بر حدیث نبوی بر این باورند که مردی از نسل رسول خدا(ص) در آخرالزمان می آید و جهان را پر از عدل و داد می کند. در میان جوامع اسلامی بعضی اعتقادات وجود دارد که می تواند محور خوبی برای وحدت در بین جامعه باشد. یکی از آنها مودت و دوستی اهل بیت (ع) و دیگری مسئله اعتقاد به مهدی منتظر است. این اعتقاد به منجی را می توان زمینه و بستر مناسبی برای گفت گو و تقریب بین ادیان دانست؛ زیرا ادیان و مکاتب و ملتها هریک به نوعی معتقد به ظهور منجی برای عالم بشریت در آخرالزمان اند؛ هر چند در کیفیت و چگونگی آن با یکدیگر اختلاف دارند. (حکیمی، ۱۳۹۱: ۲۱)

نتیجه گیری

باور به فرهنگ انتظار قدرت نرم جبهه اسلام است و زمینه را برای تشکیل امت واحده اسلامی تحت پرچم مهدویت فراهم می کند و عوامل تفرقه و نفاق را ریشه کن می سازد. مهمترین منابع قدرت نرم، جذابیت و مورد پذیرش واقع شدن اعتقاد ارائه شده توسط فرهنگ ها است؛ تجدید عهد و پیمان با امام زمان(ع) یعنی اتحاد و اجتماع قلوب و اراده ها در پرتو ولایت مهدوی و اعتقاد به آمدن منجی و آماده سازی برای نیل به جامعه مهدوی، جلوگیری از تشتت و چندگانگی و اختلاف در میان جامعه اسلامی، قدرت نرم جامعه بین المللی اسلامی به حساب می آید، یکی از بایستگی های امروز جهان اسلام و حتی جامعه بشری رسیدن به انسجام، وحدت و همدلی است که آموزه مهدویت از ظرفیت ها و توانایی های زیادی برای این وحدت و انسجام بخشی برخوردار است. سرنوشت مشترک بشر در اندیشه مهدویت و منجی گرایی جلوه گراست. یعنی همگان - به خصوص مسلمانان - توجه کنند که در ذیل اندیشه مهدویت دارای سرنوشت مشترک و متحد هستند و به یک مقصد و غایت واحد حرکت می کنند.

از دیگر ابزار قدرت نرم در اندیشه مهدوی؛ آینده نگری مثبت و روشن و ریشه کنی شر و ناراستی از جهان است که باعث ایجاد امید و شور در جامعه شده و هم آنها را علاقه مند می سازد که

در تحت لوای یک پرچم به آن آینده موعود بیندیشند. این امیدواری و اطمینان به آینده روشن و زیبا، قدرت زیادی در وحدت بخشی و انسجام و همدلی جامعه دارد.

باور به مهدویت از آن جهت که می‌تواند امید بخش به مستضعفین و مستمندان باشد و همچنین می‌تواند روحیه مبارزه با ظلم و ستم را در جامعه ترویج سازد تا این که تمامی فسادهای بشری ریشه کن و نابود شود. باور به مهدویت و موعود آخر الزمان، می‌تواند تأثیرات مهمی را بر پیگردی جامعه اسلامی وارد کند از جمله این تأثیرات، امید بخشی به مستضعفین و مستمندان و ایجاد روحیه مبارزه با ظلم دانست. در نتیجه این باور به عنوان یک ابزار قدرت نرم، باید بین اقشار جامعه توسط مبلغین ترویج یابد تا از این رهگذر زمینه برای ریشه کن سازی تمامی فساد ها مهیا شود و مقدمات ظهور منجی فراهم گردد. زیرا با آمدن او عدالت جهانی وحدت جهانی برقرار خواهد شد و تمامی انسانها به کمالاتی که بالقوه در وجود آن ها نهاده شده در سایه این عدالت بالفعل خواهد شد. جامعه ای که در آن باور به مهدویت داشته باشد جامعه جامع و کاملی است که در دولت اخلاق مهدوی محقق شده است و سامان می‌یابد مولفه اساسی این نظام رسیدن انسان به بصیرت خلاق است و تا تمام ظرفیت های توانایی او شکفته گشته و بسترهای فرو روی او در ناراستی ها دشواری ها و آلودگی ها برچیده شود تا انسان به این بصیرت و خردورزی اخلاقی و الوهی نرسد و از رشد فکری و اخلاقی همنوا برخوردار نگردد، دامنه رنج ها کاستی های او گسترده تر شده واز حیات معمول و متکامل به دور بایستگی دستیابی به بصیرت اخلاقی حجت فرو کاستن ناراستی ها خواهد بود. بشریت و جامعه اسلامی در پرتو موعود گرایی، دارای هدف و آرمان مشترک و واحدی هستند. (خیر گرایی، صلح و امنیت جهانی، شرورزدایی و ظلم ستیزی و...) و این هدف واحد، ظرفیت جمع کردن آحاد جامعه را در یک صف واحد دارد.

منابع

قرآن کریم.

- ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی (۱۴۱۸ق). سنن ابن ماجه، بیروت: دارالجلیل.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۷). نگرش‌هایی نو به آموزه مهدویت، قم: مؤسسه آینده روشن.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷). قدرت نرم، فرهنگ و امنیت. تهران: دانشگاه امام صادق.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹). فرسایش قدرت نرم (مردم، دولت‌ها و اعتماد، ترجمه سعید میرترابی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر و شعبانی، ناصر (۱۳۸۹). قدرت نرم و نبرد نامتقارن، تهران: دانشگاه امام صادق.
- اقا نوری، علی (۱۳۸۷). امامان شیعه وحدت اسلامی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- امینی، ابراهیم (۱۳۸۷). دادگستر جهان، قم: نشر شفق.
- باکینگهام، دیوید (۱۳۸۹). آموزش رسانه‌ای، یادگیری، سواد رسانه‌ای و فرهنگ معاصر، ترجمه حسین سرفراز، تهران: دانشگاه امام صادق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۰ق)، صحیح البخاری، بیروت: دارابن کثیر.
- تونه ای، مجتبی (۱۳۸۷). موعود نامه، قم: انتشارات میراث ماندگار.
- جعفر، مرتضی عاملی (۱۳۸۷). الصحیح من سیر النبی، چاپ اول، قم: ناشر دار الحدیث قم.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۷). استراتژی وحدت در اندیشه‌ی سیاسی اسلام، جلد اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- جوزف.اس نای (۱۳۸۷). قدرت در عصر اطلاعات (از واقع‌گرایی تا جهانی شدن)، ترجمه سعید میرترابی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۹۱). خورشید مغرب، تهران: موسسه تحقیقات و نشر معارف اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، چاپ دانشگاه تهران: نرم‌افزار لغت‌نامه دهخدا.
- ذوالفقاری‌زاده، محمد مهدی (۱۳۸۵). مدیریت صالحین، رویکردی آینده نگر، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل (۱۳۷۵). مفردات الفاظ قرآن یا تفسیر لغوی و ادبی قرآن، ترجمه و تحقیق: سید غلامرضا خسروی حسینی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مرتضوی.
- شیرازی، ایت الله مکارم (۱۴۱۶). حکومت جهانی امام عصر (ع)، قم: انتشارات حوزه علمیه قم.

صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۸۷). اصالت مهدویت، قم: انتشارات حضرت معصومه، صبوری، ضیاءالدین و متقی، ابراهیم (۱۳۹۰). قدرت نرم امریکا در حوزه سیاست خارجی و امنیتی، ترجمه سیدضیاءالدین صبوری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.

طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۰). الاحتجاج، بیروت: شریف الرضی. کازینو، ژان (۱۳۶۴). قدرت تلوزیون، ترجمه علی اسدی، تهران: نشر امیر کبیر. کلینی، جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۱۹). ترجمه، سید جواد مصطفوی، تهران: انتشارات کتابفروشی حوزه علمیه اسلامی.

گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۶). تصمیم گیری استراتژیک، مطالعه موردی رویکرد موعودگرایی شیعه، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.

گودرزی، غلامرضا، ذوالفقارزاده، محمد مهدی (۱۳۸۷). تصویرپردازی از مدیران آینده، به سوی الگوی قرآنی، نشریه اندیشه مدیریت، شماره ۳، تهران: دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع).

مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۴). بحار الانوار، ترجمه، حجت السلام حاج سید ابوالحسن موسوی همدانی، تهران: نشر محمد.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۵)، بحار الانوار، قم، نشر دارالحدیث. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۵). جامعه و تاریخ در قرآن، قم: نشر موسسه امام خمینی.

معین، محمد (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات امیرکبیر. منصورنژاد، محمد (۱۳۸۹). کتاب رویکرد دینی به مساله وحدت همگرایی، تهران: ناشر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

موثقی، سیداحمد (۱۳۷۷). وحدت در اسلام، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. موسوی، سید صدرالدین (۱۳۹۹). «قدرت هوشمند در اندیشه سیاسی امام خمینی، کاربست نظریه جوزف نای»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، دوره ۱۰، شماره ۱، تابستان.

نای، جوزف (۱۳۹۰). قدرت جنگ نرم، ترجمه اسلامی فر، تهران: نشر ساقی. نای، جوزف اس (۱۳۸۷). قدرت نرم، ترجمه سیدمحسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق